



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 16 rd.
Year/NO: 1 Spring 2023

تأثیر اقتصاد شادکامی و باورهای دینی بر کاهش بزهکاری مالی

احسان بیانی^۱ فاطمه احدی^۲ جمال بیگی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

چکیده

جرایم اقتصادی از مهمترین مشکل ها و چالش های نظام های حقوقی در جهان می باشد به طوری که دستگاه قضایی را با معضلاتی مواجه کرده است. کارشناسان و متصدیان نظام های حقوقی و کیفری و همین طور نظام های بانکی معتقد هستند که اقتصاد شادکامی و باورهای دینی موثرترین راه در پیشگیری و مقابله با این جرایم اقتصادی می باشد. آنها معتقد هستند با مهار معضلات اقتصادی و بهبود وضع معیشتی مردم و همچنین در کنار آن تقویت باورهای دینی، می تواند از بروز بزهکاری های مالی جلوگیری کند. این مقاله به دنبال بررسی تاثیر اقتصاد شادکامی و باورهای دینی بر کاهش بزهکاری مالی می باشد. روش تحقیق در این نوشتار به صورت توصیفی تحلیلی می باشد به این صورت که بعد از بررسی و گردآوری داده ها و اطلاعات، به نتایجی خواهیم رسید. یافته های تحقیق حاکی از این مطلب است که اقتصاد شادکامی و تقویت باورهای دینی بر کاهش آمار بزهکاری مالی تاثیر بسزایی دارد.

کلمات کلیدی: شادکامی، بزهکاری مالی، نظام کیفری، تورم

Ehsanbayani1357@gmail.com

fateme_ahadi@iau-maragheh.ac.ir

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسؤول).

^۳ دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

مقدمه

قوام و پویایی هر جامعه ای مبتنی بر قواعد و هنجارهایی است که دارای ضمانت اجراهای رسمی و غیر رسمی می باشد و در هر جامعه ای انتظار بر این است که شهروندان در روابط اجتماعی خود الزامات و ضرورت‌های ناشی از قواعد و مقررات را رعایت بکنند و هر نوع انحراف از آن الزامات و هنجارها جرم محسوب شده و مجازات‌هایی را به دنبال دارد. (Gundelach, 2004:134) از جمله جرایم رایج و پر دامنه در جوامع جهانی، جرایم و بزهکاری‌های مالی و اقتصادی می باشد که حقوق دانان آن را مجموعه ای از جرایم متضمن لطمه به نظم اقتصادی یا نظام روابط تجاری و کسب و کار در یک جامعه می دانند و معمولاً در چهارچوب فعالیت حرفه ای شرکت یا مدیریت آن (جرایم شرکتی) یا افراد عادی در تعاملات مالی خود مرتکب می شوند. (گسن، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

جرایم مالی علل و ریشه های متعدد و متنوعی چون بیکاری، پایین بودن نرخ دستمزدها، توزیع نامتعادل ثروت، زیاده خواهی و طمع اشخاص، تورم و بالا بودن قیمت ها، افزایش افسار گسیخته هزینه های رفاهی، فقدان یا ناکارآمدی سیستم های نظارتی، ابهام یا احتمال در نظام حقوقی کشور و از این قبیل می باشد که عواقبت و آثار منفی گوناگونی چون اخلال در تولید و توزیع ثروت، افت رشد اقتصادی، شیوع بحران های فرهنگی، امنیتی و سیاسی در جامعه، گسترش فقر و نابرابری را به دنبال خواهد داشت. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۱) همچنین دولت مجبور می شود که برای مهار این گونه جرائم و پیشگیری از وقوع آنها و برقراری نظم و امنیت در حوزه اقتصاد ملی و تامین حقوق شهروندان نهادهای مبارزکننده با جرائم مزبور را از نظر کمی و کیفی گسترش بدهد و از طرفی هزینه هایی را نیز در راستای تعقیب و دستگیری و حبس و بازآموزی بزهکاران و مجرمین متحمل بشود که در نهایت موجب کاهش منابع و امکانات اقتصادی برای تخصیص در توسعه و بهبود زیر ساخت های اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، ورزشی می گردد و بدین ترتیب ضریب تولید و توسعه در جامعه افت می کند. (مداح، ۱۳۹۰: ۳۰۴)

از نگاه جرم شناسان، توسل به خشونت برای مهار جرم علاوه بر اینکه پایه علمی و منطقی ندارد. بلکه به لحاظ عدم توجه به ریشه ها و علل وقوع جرم و برخورد صرف بامعلول چندان نتیجه بخش نخواهد بود. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۷) نظام های حقوقی مدرن، امروزه رویکردهای پیشگیرانه را در مهار بزهکاری های بیشتر مورد توجه قرار داده اند. در این راستا نیز پیشگیری اجتماعی که سعی بر حذف علل و ریشه های اجتماعی جرم را دارد در اولویت جرم شناسان و قانون نویسان قرار گرفته است. پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییر و اصلاح در افراد و بستر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن، درصدد کاهش پایداری و همیشگی آمار بزه در جامعه است. (نیازپور، ۱۳۹۲: ۹۷) امروزه اقتصاد شادکامی از مهم ترین رویکردهای پیشگیرانه در سیاست های جنایی کشورها محسوب می شود و متصدیان عدالت کیفری بر نقش اقتصاد شادمانی در پیشگیری از بزهکاری مالی توجه ویژه دارند. از منظم جرم شناسان رفع مشکلات اقتصادی و رونق بازار کسب و کار و توزیع متعادل ثروت و تثبیت قیمت ها و بهبود معیشت مردم و اقتصاد خانوارها و ارتقاء سطح کیفی رفاه و بهداشت شهروندان و اشتغال زایی مستمر باید مورد توجه جدی و از اولویت های مهم سیاست گذاران و نهادهای تقنینی و قضایی کشور باشد. (اکرمی و اکرمی، ۱۳۹۵: ۱) در کنار اقتصاد شادکامی، باورهای دینی نقش موثری در کاهش بزهکاری مالی خواهد داشت. باورهای دینی و افزایش و تثبیت آن یکی از اساسی ترین فاکتورهای پیشگیری از جرم است. دینداری، عاملی مهم در خشکاندن چشمه های فساد و تباهی است و در مقابل، سر نخ همه جرایم و گناهان را باید در نبود یا ضعف دینداری حقیقی و درست افراد جست. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷: ۳۲۴)

بر همین اساس پرسش اصلی پژوهش آن است که اقتصاد شادکامی و تقویت باورهای دینی چگونه می تواند بر کاهش بزهکاری مالی موثر باشد؟ برای پاسخ به این پرسش ها، محقق ابتدا به منظور آگاهی بیشتر از موضوع و روش مرتبط با این پژوهش در تحقیقات گذشته، پیشینه شناسی و بررسی در این تحقیقات را مطرح می نماید. سپس مفاهیم ضروری تحقیق ارائه می گردد.

پیشینه تحقیق

احدی، پور قهرمانی و احمدی سربرزه، (۱۳۹۸)، در مقاله خود تحت عنوان مکانیسم اقتصاد شادمانی در پیشگیری از بزهکاری و آسیب اجتماعی استفاده غیرمتعارف از فضای مجازی چنین عنوان می کنند که اگر اقتصاد شادمانی بتواند از همان ابتدا در میان کودکان نفوذ کند و آنها خوشبخت بودن را به صورت واقعی تجربه کنند کمتر گرفتار مشکلات اجتماع خواهند شد و این وضعیت در پیشگیری از بزهکاری این طیف از کودکان در آینده موثر خواهد بود.

نیلی، بابازاده و شادکار (۱۳۹۴) در مقاله خود تحت عنوان بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی چنین می نویسند که اقتصاد شادکامی به طور کامل می تواند از گرفتاری های اقتصادی و اجتماعی کاسته و از وقوع جرایم اقتصادی جلوگیری کند.

حسینی، آهی و آهی (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان استرس اقتصادی، شادکامی و کیفیت زندگی در بیماران ۲۰ تا ۳۵ ساله سرطانی کاشمر می نویسند که وقوع جرم، به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل روانی، اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد. با توجه به این که از طرفی عامل اقتصادی، عامل مهمی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تاثیرات قابل توجهی بر روی وقوع جرم دارد، از طرف دیگر، تحقیقات متعددی در زمینه عوامل اقتصادی موثر بر جرم در ایران صورت گرفته، ولی جمع بندی آنها در این اثر انجام گرفته است.

مبانی نظری

محقق ساختن یک جامعه عاری از هر گونه جرم و بزه از اهداف راهبردی ارکان حکومتی هر کشوری محسوب می شود. به لحاظ جایگاه بنیادین آن، نظام های حقوق مدرن تعریف مشخصی از جرم ارائه داده اند و در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به آن تصریح کرده و در دکترین های حقوقی نیز جرم را به معنای کنش های مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده است، تعریف نموده اند. (نوربها، ۱۳۸۸: ۴۱). تا دهه های اخیر نظام های عدالت کیفری در خصوص مهار و مدیریت جرائم احتمالی، رویکردی سخت گیرانه داشته و به ابزارهای خشن و کیفرمدار متوسل می شدند که علیرغم پرهزینه بودن، نتیجه موردنظر نیز حاصل نمی شد. ولی امروزه از این رویکرد فاصله گرفته و شیوه های نوین مبتنی بر مطالعات علمی و پیشگیرانه را اتخاذ نموده اند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۲)

واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و هم چنین «آگاه کردن، خبرچیزی را دادن و هشدار دادن» است. (عمید، ۱۳۸۹: ۵۸). و در اصطلاح جرم شناسی، پیشگیری به معنای به کار بردن فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. (اکبری، ۱۳۸۰: ۱۴). پیشگیری از جرم در دو مفهوم عام و خاص به کار برده می شود. در مفهوم عام، اقدامات پیشگیرانه واجد صیغه کیفری بوده و خاصیت ایجاد رعب و وحشت، رسواکنندگی و سرکوبگری را دارد و از طریق تدابیر ماهوی و شکلی اعمال می شود و در مفهوم خاص، تدابیر پیشگیرانه، ناظر از اقدامات غیر قهرآمیز است که یا بر خود فرد اعمال می شود یا بر وضعیت. زیرا فرض بر آن است که تعامل میان عوامل شخصی و وضعی، شخص را در معرض ارتکاب جرم قرار می دهد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۷: ۱۰۰۵). بر این اساس پیشگیری غیر کیفری به دو نوع پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تقسیم می شود. پیشگیری وضعی یعنی ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود. ایجاد تغییر در مراحل ارتکاب جرم کاهش می یابد. (همان: ۶۵۳). در پیشگیری اجتماعی، هدف ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و پیشگیری از وقوع جرم به صورت پایدار و همیشگی است که از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه معیارهای اعمال خوب و بد به فرد القا گردیده و قدرت ارزیابی عملکرد خویش کسب می کند. در این نوع پیشگیری ریشه ها و علل وقوع این نوع

پیشگیری یه به کارگیری اقدام‌های غیر قهر آمیز اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و ورزشی در محیط‌های مختلف در صدد از بین بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا حداقل کاهش تأثیر آن بر افراد است. بدین ترتیب، پیشگیری اجتماعی با توجه به این انگاره که گونه‌های مختلف محیط بر نظام رفتاری افراد تأثیرگذار هستند بر استفاده از اقدام‌های غیر قهرآمیز محیط‌مدار به منظور زدودن یا کاهش تأثیر عوامل جرم‌زا تمرکز می‌کند. بدین ترتیب اقدامات متعدد تربیتی، و زیستی، هنری، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی، مذهبی و امثال آن‌ها که نقش اساسی در تکوین و شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه دارند در مقوله پیشگیری اجتماعی جا می‌گیرند. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۶۰). اقتصاد شادکامی نیز از جمله شیوه‌هایی است که در زیرمجموعه پیشگیری اجتماعی جا می‌گیرد.

نقش پیشگیرانه اقتصاد شادکامی

اقتصاد شادکامی از حوزه‌های جدید در علم اقتصاد بوده و در تعاملی نزدیک با مباحث شادکامی علم روانشناسی می‌باشد. در تعریف شادی، برخی به احساسات و عواطف توجه خاصی نشان می‌دهند و شادی را احساسات یا هیجانات مثبت قلمداد می‌کنند، مانند برادبورن^۱ که شادی را چنین تعریف می‌کند: میزان احساسات مثبت (خوشی و لذت و ...) منهای احساسات منفی (ترس، استرس، دلهره و ...). بعضی نیز تعریف شناختی از شادی ارائه می‌دهند. در این دسته از تعاریف، ارزیابی مثبت و رضایت از کل زندگی مطرح است. در تعاریفی نیز از ترکیب این دو تعریف استفاده می‌شود. آنچه مسلم است، این است که شادی به طور کلی، حداقل از سه جزء تشکیل شده است: وجود هیجانات مثبت، نبود تأثیرات منفی و رضایت. هر یک از سه جزء یاد شده، قسمت مهمی از ساختمان شادی را تشکیل می‌دهد. دو مؤلفه اول، منعکس‌کننده جنبه‌های عاطفی است و به خوشی و لذت مربوط می‌شود؛ در حالیکه مؤلفه سوم عمدتاً شناختی است و بر اساس ارزیابی از اوضاع زندگی فرد در حال و گذشته اوست. اجزای مربوط به خوشی و لذت و شادی، به افزایش احساسات مثبت و کاهش احساسات منفی اشاره دارد؛ اما در زمینه مؤلفه شناختی شادی، ناهمگونی نسبی وجود دارد. این مؤلفه به دستیابی به هدف با تأکید بر رضایت از زندگی و معنا در زندگی مربوط می‌شود. (گروبر^۲، ۲۰۱۱: ۱۶۷).

یکی از دیدگاه‌های مرتبط با شادکامی، نظریه گیدنز در خصوص مدرنیته و پیامدهای آن است. گیدنز معتقد است مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است؛ اما خطرات و ناامنی‌های دیگری را جایگزین آن کرده است. از عوامل تهدیدکننده شادمانی از نظر گیدنز عبارت است از: ۱. تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن جنگ؛ ۲. متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی؛ ۳. احساس ناامنی و اضطراب وجودی. از عوامل تأمین‌کننده شادمانی از نظر وی نیز می‌توان به اعتماد همراه با احتیاط به نظام‌های انتزاعی و اعتماد و وانهادن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی و دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب نام برد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۸).

برخی نظریات جامعه‌شناسی هم، پدیده شادمانی را در ارتباط با نظام‌های چهارگانه، یعنی نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام اجتماعی و سیاسی مطرح می‌کنند. طبق این دیدگاه، چنانچه هر یک از چهار نظام اصلی جامعه، پاسخگوی مؤثر علایق افضل (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، نوعی احساس مثبت ایجاد می‌کند که زمینه ساز شادمانی افراد است؛ یعنی کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است. همین‌طور حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هر یک به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی احساس عزت و احترام می‌شوند (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۷۱). البته پیامد مثبت عملکرد هر حوزه جامعه، تاحدودی موکول به عملکرد سایر حوزه‌هاست؛ یعنی توسعه متوازن و همگون هر چهارحوزه، در سطح فردی سبب ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه می‌شود. در غیر این صورت، توسعه

^۱. Bradburn

^۲. Gruber

ناموزون در برخی کشورهای در حال گذار، نه تنها موجب شادمانی نمی‌شود، بلکه ناخرسندی اجتماعی را برای اکثر آحاد جامعه فراهم می‌کند. پس شادی، با حالات تأثیرگذار مثبتی همچون خوش بینی و تفکر مثبت و ادراک شخصی از رفاه مشخص می‌شود و منابع مختلفی مانند اوضاع اجتماعی در تولید شادی مؤثر است (کریستی میزل^۱، ۲۰۰۸: ۲۲۵).

از جمله عوامل مؤثر در شادکامی، شاخص‌های اقتصادی می‌باشند که در تحقیقات و مطالعات مرتبط از آن با عنوان اقتصاد و شادکامی یاد می‌کنند. در تعدادی از تحقیقات اقتصادی شادکامی با مبحث شادکامی مترادف و به عنوان دو عبارت همپوشان استعمال شده است. ولی بنظر نگارنده و با استناد به مواضع علمی تعدادی از اندیشه ورزان، حوزه شادکامی خیلی گسترده تر از حوزه اقتصاد شادکامی است. شادکامی از متغیرهای متعدد سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، جامعه شناسی، خصائص شخصیتی متأثر می‌شود. در حالی که اقتصاد شادکامی در خصوص تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی مؤثر بر شادکامی افراد بحث می‌کند. بیشتر مطالعات انجام گرفته در این راستا نشان داده است که شرایط عینی، به خودی خود نقش تعیین کننده‌ای در سطح دومین عامل مؤثر در ایجاد شادمانی که در تحقیق حاضر بررسی شده است، سرمایه اقتصادی است. برخی تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه شادمانی، به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته است. بیشتر نتایج این مطالعات نشان داده است شرایط عینی، به خودی خود نقش تعیین کننده‌ای در سطح شادمانی افراد ندارند. یکی از پیروان این دیدگاه، لین (۲۰۰۰) است که اعتقاد دارد تأکید بر پول، به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه، تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادمانی منجر شده است. اوت (۲۰۰۱) در نقد نظر لین، اظهار می‌کند به واسطه گسترش آزادیها، اثرات منفی بازار و پول بر شادمانی جبران شده که این امر نیز، به ثابت ماندن سطح شادمانی منجر شده است. اینگلهارت در این رابطه، تغییر در شرایط حیات عینی انسانها را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط می‌کند تغییر وضعیت عینی در کوتاه‌مدت، ممکن است احساس آنی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد؛ اما در بلندمدت و با افزایش امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را گرفته و در این اوضاع، سطح بالای درآمد نقش خود را در بالا بردن سطح شادمانی افراد از دست می‌دهد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۵).

اکثر مطالعات رفاه ذهنی و شادی، از درآمد برای معرفی پول و ثروت استفاده می‌کنند. جورج^۲ (۱۹۹۲) با بررسی بیش از بیست مطالعه متوجه شد روابط بین دو متغیر درآمد و رفاه ذهنی مثبت و اغلب قوی است؛ با این حال، در روابط چند متغیره، رابطه بین درآمد و رفاه ذهنی کمتر ظاهر می‌شود. در مطالعات الویل^۳ نیز اثر معنی داری بین درآمد و رفاه ذهنی برای مردان مسن تر گزارش شده است؛ ولی برای زنان مسن تر، این رابطه معنی دار به دست نیامده است. در گزارش لاباربرای^۴ و گورهان (۱۹۹۷) نیز، درآمد کم در شادی افراد مذهبی تأثیر مثبت داشته است، ولی درآمد زیاد، تأثیر منفی بر میزان رفاه ذهنیشان نشان داد.

ونهوون (۱۹۹۱) مطرح می‌کند درآمد، به تأمین نیازهای معین افراد کمک می‌کند؛ بنابراین از عوامل شادی و بهزیستی ذهنی افراد است. برخلاف او، مایرز و داینر (۱۹۹۵) مطرح کردند ممکن است نداشتن درآمد و پول عامل بدبختی باشد؛ اما رابطه بین پول و شادی و بهزیستی ذهنی، به هیچ وجه تکخطی و مثبت نیست. بنا بر نظر دیگر محققان، اهمیت مقایسه اجتماعی بر رابطه بین پول و شادی اثر می‌گذارد. محققان نشان داده اند ادراک و برداشت فرد از درآمد خود، به درآمد او در گذشته و درآمد افراد دیگر بستگی دارد؛ بنابراین، بهزیستی ذهنی فرد بستگی به درآمد مقایسه‌های خود دارد. (هیشه^۵، ۲۰۱۱: ۱۷۱)

1. Christie-Mizell

2. George

3. Elwell

4. La Barbera

5. Hsieh

عوامل اقتصادی، هدفی برای شادی نیست؛ بلکه به مثابه ابزاری برای دستیابی به انواع دیگری از اهداف اجتماعی است. استدلال این است که اقتصاد و درآمد، به افراد جامعه اجازه می‌دهد تا به زندگی بهتر و مرفه دست یابند. پول می‌تواند بیمارستان‌ها، مدارس، زیرساختها و... را تأمین کند، ولی نقش آن در ایجاد شادی مشخص نیست. کمپیل و راجرز (۱۹۷۶) اشاره می‌کنند، به رغم رشد عظیم اقتصادی در کشورهایی مانند ایالات متحده، مردم این جامعه، جامعه را بدون مشکلات اجتماعی تجربه نمی‌کنند. در واقع، علیرغم افزایش راه، برخی مشکلات هم افزایش یافته است. (گندلیچ^۱ و کرینر^۲، ۲۰۰۴: ۲۱۵). اقتصاد دانان با مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که در طول پنجاه سال گذشته، با وجود افزایش ثروت مادی کشور، سطح خوشبختی امریکاییان در طول همان دوره زمانی ثابت مانده است. (موگیلنر^۳، ۲۰۱۰). براساس تعدادی از نظرسنجی‌ها، کمپیل و همکاران متوجه شدند درصد امریکایی‌هایی که گفته‌اند بسیار خوشحال‌اند، به رغم رشد اقتصادی کاهش یافته است (گندلیچ و کرینر، ۲۰۰۴: ۲۱۷).

در زمینه تأثیر وضعیت اقتصادی بر میزان شادمانی، نتایج متفاوتی از تحقیقات به دست آمده است. داینر^۴، سو، لوکاس^۵، و اسمیت^۶ گزارش کرده‌اند که مردم کشورهای ثروتمند بسیار شادتر از مردم کشورهای فقیرند؛ اما مایرز (۲۰۰۰) بیان می‌کند که بین سطح درآمد و شادی در مردم امریکا و کانادا و اروپا همبستگی ضعیفی وجود دارد. آرجیل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد؛ اما پژوهش‌های وی نشان می‌دهد این ارتباط بین اقشار کم درآمد بیشتر است؛ یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد، بر شادمانی تأثیر دارد این در حالی است که درآمد بیش از حد نیاز، شادمانی را افزایش نمی‌دهد (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱) به اعتقاد داینر هم، داشتن غذا و سرپناه و امنیت از پایه‌های اصلی رضامندی و شادی به شمار می‌رود؛ ولی زمانی که افراد از این امکانات اولیه برخوردار باشند و ضروریات زندگی خود را تأمین کرده باشند، دیگر ثروت نقش اساسی ندارد (کریمی نوری، ۱۳۸۱). بنابراین، ثروت مانند سلامت است، فقدان آن بدبختی و ناشادمانی به‌بار می‌آورد؛ ولی داشتن آن هیچگونه ضمانتی برای خوشبختی نیست.

می‌هالایی (۱۹۹۷) در رابطه تأثیر پول بر شادی معتقد است: ۱. افراد خیلی زود به سطح درآمد خود عادت می‌کنند؛ ۲. بیشتر مردم، درآمد و دارایی خود را با درآمد و دارایی دیگران مقایسه می‌کنند؛ ۳. ثروت شاید برای زندگی مفید باشد؛ اما انسان نیازهای دیگری نیز دارد که با پول قابل مقایسه و خریداری نیستند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱)

موگیلنر (۲۰۱۰)، با مطالعه نمونه ۱۲۷ نفر دانشجوی نشان داد، از نظر بیشتر دانشجویان، پول برای دستیابی به رؤیای امریکایی و شادی به عنوان حق مسلم افراد جامعه، بسیار حیاتی است. البته از نظر بسیاری از محققان روانشناسی رابطه ضعیفی بین پول و خوشبختی وجود دارد. اقتصاددانان دریافته‌اند سطح خوشبختی امریکاییها در طول پنجاه سال گذشته، با وجود افزایش ثروت مالی کشور در طی همان سالها ثابت مانده است (موگیلنر، ۲۰۱۰: ۱۹۲)

اقتصاددانان برای ارزیابی فرایند تأثیرگذاری اقتصاد شادکامی بر سطح رفاه و شادمانی هم چنین پیشگیری و مهار بزهکاری مالی دو رویکرد متفاوت را به کار گرفته‌اند. رویکرد اول اینکه شاخص کلان اقتصادی را مبنای ارزیابی و برآورد رفاه قرار داده و رابطه آن را با بزهکاری مالی معکوس فرض می‌کنند. در واقع اقتصاددانان نوعاً آموخته‌اند که ترجیحات بر شاخص‌های عینی استوار کنند. در این روش اقتصاددانان بیشتر بر آنچه که افراد انجام می‌دهند، مبنای ارزیابی قرار می‌دهند نه آنچه را که اراز می‌دارند. (دی تلا و

¹ Gundealach

² Kreiner

³ Mogilner

⁴ Diener

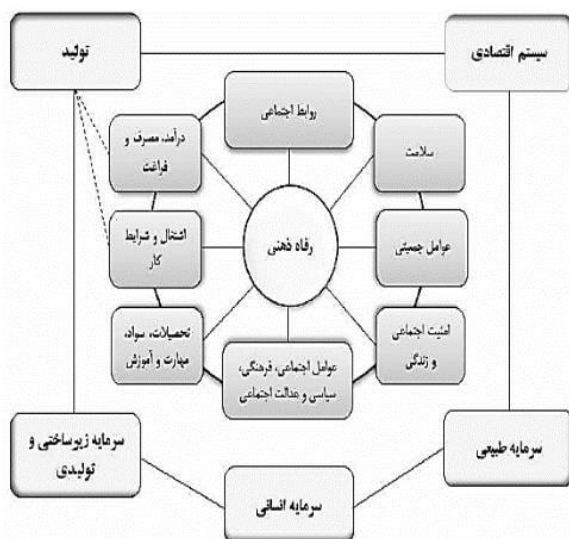
⁵ Lucas

⁶ Smith

مک کالو^۱، (۲۰۰۶) ضعف اساسی این رویکرد، کم توجهی به وجه غیرمادی رفاه و شادکامی می‌باشد. چرا که مطالعات روان‌شناختی نشان داده است که افراد ترجیحات مختلفی نسبت به مقوله‌های مادی و غیر مادی داشتند. ای بسا ممکن است افراد با کاری با درآمد کمتر ولی شأن اجتماعی بالاتر را بر کاری با درآمد بالا و شأن اجتماعی پایین ترجیح دهند (گراهام^۲، ۲۰۰۹: ۱۷۶).

برای جبران این نقیضه یافته‌های روان‌شناسی به کمک علم اقتصاد آمد و بدین ترتیب مکانیسم رفاه ذهنی برای ارزیابی میزان رفاه و شادکامی ابداع گردید. در این رویکرد به جای آنکه رفاه بر مبنای ترجیحات آشکار شده^۳ اندازه‌گیری و ارزیابی می‌شود، آن را از طریق ترجیحات بیان شده افراد اندازه‌گیری می‌کنند. در این رویکرد علاوه بر شاخص‌های کلان اقتصادی، متغیرهای غیر اقتصادی مؤثر در رفاه ذهنی را نیز مورد مذاقه قرار می‌دهند. از جمله آنها می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، باورهای مذهبی، ساختار سیاسی حاکم، امکانات بهداشتی اشاره نمود. هم چنین در مطالعاتی که با این رویکرد صورت گرفت، این واقعیت مسجل گردید که ترجیحات مادی تا یک سطح بخصوصی که در افراد متفاوت است موجب شادکامی می‌شود، از یک مرحله بخصوص به بعد، تأثیرگذاری این شاخص‌ها رو به افول می‌گراید. (نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱: ۳۴). شناخت عوامل مؤثر بر رفاه و شادکامی از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های رفاه ذهنی، اولاً به درک جامع‌تری از مفهوم مطلوبیت و گسترش نگاه رایج، که با بیان وابستگی آن به عوامل معدودی نظیر درآمد و نادیده گرفتن سایر شاخص‌های اقتصادی و غیر اقتصادی تأثیرگذار، تحلیل ناقصی را ارائه می‌دهد، کمک می‌کند. ثانیاً بر اساس این شناخت می‌توان سیاست‌گذاران را از طریق تبیین توابع ارزشی که بر اساس آن بتوان با حداکثرسازی کمیتی نزدیکتر به آنچه انسان‌ها آن را رفاه می‌پندارند، بر اثربخشی سیاست‌ها امیدوارتر کرد. (نیلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۳۶).

در هر حال اقتصاد شادکامی حاصل برآیند اثرات همه عوامل مؤثر بر زندگی فرد، اعم از فاکتورهای شخصی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. تمامی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد از فرایند تغییرات اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. فرایند تغییرات اجتماعی براساس مطالعه مانترزاوینوس^۴ و همکاران (۲۰۰۴)، از واقعیت آغاز شده و با اثرگذاری بر باورها، در نهایت نتیجه آن در واقعیات منعکس می‌شود. اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که بازخورد نوع تفسیر ذهن انسان از این تغییرات و این که انسان‌ها چگونه به این تغییرات واکنش نشان می‌دهند، برای پژوهشگران روشن نیست؛ اما مدل‌های موجود علم اقتصاد نمی‌تواند بعد احساسی و ذهنی انسان را تبیین کند. از این نظر بررسی فاکتورهای روحی، روانی و احساسی نقش مهمی را در شناسایی افکار انسان برای انجام انواع انتخاب‌ها، ایفا می‌کنند.



1. Ditella and Mac Culloch

2. Graham

3. Revwded Pewfernces

4. Mantzavinos et al.

عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی

به هر حال عوامل گوناگون اجتماعی - اقتصادی نظیر امید به زندگی، رشد جمعیت، توزیع درآمد، بیکاری، سطح تحصیلات، نرخ جرم و آزادی‌های مدنی می‌تواند از جمله موارد مؤثر بر شادی باشد (Lu & Li, ۲۰۰۹: ۳)

نقش پیشگیرانه باورهای دینی در کاهش بزهکاری مالی

بزهکار به عنوان شخصی که تصمیم گیرنده است و با وجود همه تدابیر پیشگیری اجتماعی و ریشه ای می‌تواند تصمیم به ارتکاب جرم بگیرد باید کنترل شود. در تعالیم و دستورات دینی علاوه بر تلاش در زمینه فرهنگ سازی و قرار دادن انسان ها در مسیر هدایت و رستگاری، راهکارهای غیر کیفری بازدارنده ای در جهت بازداشتن فرد مصمم به ارتکاب بزه در نظر گرفته شده است. گاهی این راهکارها به ایجاد محدودیت هایی نسبت به افراد منتهی می‌شود، (لطفی و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۴) یکی از این راهکارها تقویت باور دینی می‌باشد. آموزه های دینی، اخلاقی و معنوی نقش موثری در پیشگیری از جرم و بزهکاری ایفا می‌کنند و حتی کسانی که تردیدهایی در این مورد داشته اند نیز به گونه ای به نقش بازدارندگی دین اذعان نموده اند. (ترابی، ۱۳۹۰: ۱۲۰) یقین به قیامت و روز جزا آثار مثبت فراوانی برای فرد و جامعه در پیش گیری و کاهش جرایم و مفاسد دارد؛ زیرا انسان از نظر خواست طبیعی و فطری منفعت خواه، و از ضرر و زیان خویش به شدت متنفر و گریزان است. جلب منفعت و دفع ضرر، اعم از مادی و معنوی، در تمام ادوار زندگی محور فعالیت های او را تشکیل می‌دهد. انسان عاقل هیچ گاه آگاهانه دست به کاری نمی‌زند که صد در صد به ضرر او باشد. وجود انسان دلیلی بر معاد جسمانی است و افراد در هر سنی که باشند قبل از تولد اثری از آنها نبوده است. چه کسی ما را خلق کرد و چه کسی پدر و مادر ما را خلق کرد و اگر همینطور سلسله وار به عقب برگردیم می‌فهمیم خالق انسان موجودی مافوق انسان است که او همان خداست و خدایی که از هیچ ما را خلق نمود؛ توانایی آن را دارد که دوباره بعد از مرگ، آثاری که از استخوان ها مانده، دوباره ما را خلق کند؛ لذا خلقت دوم راحت تر است. گرچه برای خداوند خلقت اول و دوم یکسان است. بدون شک اعتقاد واقعی به معاد، بزرگترین سد را در برابر هرگونه ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران ایجاد می‌کند. (محمدی، ۱۳۹۷: ۷۶)

رویکرد فراتقنینی به مکانیسم اقتصاد شادمانی

همانطوری که در مباحث قبلی هم اشاره شد، رویکرد اقتصاد شادکامی در سیاست جنایی اغلب کشورها مورد توجه قرار گرفته و زیر ساختهای حقوقی و اجرایی کارآمدی را در این راستا پیش‌بینی و تعبیه نموده‌اند. در اسناد جهانی و منطقه‌ای الزام آور و ارشادگر نیز این دسته اقدام ها به عنوان حقوق بنیادی افراد شمرده شده است که طبیعتاً دارای کارکردی پیشگیرانه نیز هست. برای نمونه می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اشاره کرد که شمارهی از مواد خصوصاً مواد ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ این حق‌ها را که دارای ابعاد پیشگیرانه است شناسایی کرده‌اند. (Siegel, 2010: 452)

توجه به جلوه‌های پیشگیری اجتماعی و به رسمیت شناختن این ابتکارها از جمله شیوه اقتصاد شادکامی در نظام قانون‌گذاری ما نیز مورد توجه بوده است. در مواد قانونی متعددی این مکانیسم‌ها پیش‌بینی شده است. از جمله آنها می‌توان به ماده ۱۲ و ۵۷ قانون مجازات اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ و قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ اشاره نمود. در همین راستا، تعدادی از مصادیق پیشگیری اجتماعی در سطح مقررات فراتقنینی، یعنی در اصول قانون اساسی نیز شناسایی شده است که زمینه اساسی‌سازی این شاخه حقوق پیشگیری از جرم را فراهم آورده است. به این سان، خبرگان قانون اساسی با به رسمیت شناختن جلوه‌های این نوع پیشگیری در پهنه قانون اساسی به تدابیر پیشگیری اجتماعی و رویکرد اقتصاد شادکامی، اعتبار بنیادی داده‌اند تا ضابطه مندرکدن این تدابیر به قانونگذار واگذار شود. به این ترتیب، شماری از سازوکارهای

این نوع پیشگیری از جمله بسترسازی برای آموزش و پرورش و توسعه آن یا فراهم ساختن زمینه های مناسب جهت کارزایی یا فقرزدایی، ارتقای سطح رفاه اجتماعی به عنوان هنجار اساسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۵۳)

اصول متعددی از این قانون، به ویژه اصول مربوط به فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» به این مصادیق اختصاص یافته است. این اقدام نویسندگان قانون اساسی سبب شده است تا پیشگیری اجتماعی از جرم در سطح مقررات فراقضایی دارای پایه های اساسی شود، چنان که بتوان در پرتو آن از «اساسی سازی حقوق پیشگیری اجتماعی» در ایران سخن راند. به این سان، شماری از بارزترین سازوکارهای اینگونه پیشگیری در پرتو قانون مذکور، جنبه اساسی یافته است. در این چارچوب میتوان به اصول بیست و هشتم، سی ام و سی و یکم به عنوان نمونه اشاره داشت. محیط خانواده که نقش بنیادی در پروراندن شخصیت افراد و متمایل ساختن آنان به پیروی از ارزشهای اساسی اجتماعی ایفا می کند، از برجسته ترین سازوکارهای پیشگیرانه است (نوربها، ۱۳۹۸: ۱۸۰). در مقدمه قانون اساسی و زیر عنوان «زن در قانون اساسی»، خانواده «... واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان ...» معرفی شده است «...». همچنین به موجب اصل دهم بر این نکته تأکید شده است که: «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت آسانکردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد». این سیاست، نشاندهنده توجه خبرگان به نقش محوری محیط خانواده در چگونگی مدنی و جامعه پذیر شدن افراد است و بر این اساس، قانونگذار عادی و دیگر سیاستگذاران نیز باید در چارچوب این سیاست به اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه مطلوب سازی محیط خانواده برای پرورش شخصیت افراد مبادرت ورزند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۶۳)

در پرتو قانون مذکور، ظرفیت نهاد خانواده در مدنی و جامعه پذیر سازی افراد یعنی پیروی از بایدها و نبایدهای اجتماعی کیفری که در حوزه پیشگیری جامعه مدار، نقش بنیادی ایفا مینماید، جنبه اساسی پیدا کرده است. طبیعتاً، بارزترین پیامد این فرآیند، تبعیت سیاستگذاران از این رویکرد نویسندگان قانون اساسی است چه اینکه خانواده به عنوان نخستین محیط که افراد به واسطه تولد در آن حضور میابند، پایه گذار سامانه رفتاری آنان بوده و همین قابلیت سبب شده است تا به این سازوکار پیشگیرانه اعتبار اساسی داده شود. در واقع، در این محیط است که افراد با ارزشها و هنجارها آشنا شده و به سمت پذیرش الگوی رفتاری و شناخت نقش ها و مناسبتهای اجتماعی پیش میروند. (اکبری، ۱۳۸۰: ۲۷).

در کنار این محیط، مدرسه نیز در پرورش درست شخصیت و اجتماعی شدن افراد بسیار تأثیرگذار است زیرا افراد در این عرصه، علاوه بر سوادآموزی، با هنجارهای بنیادی جامعه آشنا میشوند و چگونگی برخورد با مناسبتهای اجتماعی را فرا می گیرند. (Siegel, 2009: 200) در واقع، محیط تحصیلی با داشتن توانایی آموزش آموزه های علمی و برخوردار سازی افراد از مهارت و امکان کاریابی در آینده، زمینه های تربیت و پرورش شخصیت آنان و قانونگرایی را فراهم می آورد. این ظرفیت، محیط مذکور را به یکی از مؤثرترین سازوکارهای پیشگیری اجتماعی از جرم تبدیل کرده است.

خبرگان قانون اساسی در بند ۳ اصل سوم «آموزش و پرورش ... رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را در شمار وظایف بنیادین دولت گنجانده اند. در همین راستا، در اصل سیام این قانون مقرر شده است که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

به این سان، مؤسسان قانون اساسی با در نظر داشتن این نکته که آموزش و پرورش، زمینه ای مناسب برای آموختن آموزه های علمی و فراگیری هنجارهای بنیادی اجتماعی فراهم می سازد، آن را در شمار حقوق بنیادی ملت قرار داده اند. این ابتکار، به حق بر آموزش و پرورش که علاوه بر داشتن جنبه حقوق بشری، کارکردی پیشگیرانه نیز دارد، اعتبار اساسی داده است تا به

این واسطه همه سیاستهای عادی و برنامهها در بستر آموزش و پرورش برای درست تربیتشدن افراد و هنجارمندسازی آنان فراهم شود.

پیشگیری اجتماعی در کنار دو محیط خانواده و مدرسه به ظرفیتهای اوقات فراغت نیز برای کاهش گرایش افراد به سمت بزهکاری توجه نشان میدهد. ایجاد امکانات مناسب برای اوقات فراغت شهروندان بخصوص کودکان، نوجوانان و جوانان می تواند سهم بسزایی در پروراندن درست شخصیت آنان ایفا کند. به همین جهت، مطابق بند ۳ اصل سوم «... تربیت بدنی رایگان...» برای همه شهروندان به عنوان یکی از اصلترین تکالیف دولت ها پیش بینی شده است تا اوقات فراغت افراد در راستای رشد نظام مند رفتار آنان ساماندهی شود. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۴۴)

در عرصه پیشگیری اجتماعی، بهبود وضعیت مالی - اقتصادی نیز در کاهش تمایل شهروندان به ارتکاب جرم تأثیرگذار است. شماری از افراد، تحت تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی ناشی از بیکاری، فقر، نداشتن مسکن به بزهکاری و انحرافات اجتماعی رو می آورند. (Siegel, 2010: 201) نویسندگان قانون اساسی با توجه به نقش بنیادی اقدام های اقتصادی و اجتماعی در کاهش میزان بزهکاری، شماری از اصول این قانون را به این دسته اقدام ها اختصاص داده اند. طبیعتاً این ابتکار، اسباب اساسی سازی تدابیر مالی - اقتصادی پیشگیرنده را فراهم آورده است. بند ۱۲ اصل سوم در واقع به دنبال «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» بوده و آن را به عنوان وظیفه راهبردی دولت پیشینی کرده است. بدیهی است این تکلیف دولت در زمینه فقرزدایی و بنیان گذاری رفاه اقتصادی می تواند در کاهش تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی بر بزهکاری افراد، نقش آفرین باشد. در همین چارچوب، در اصل چهل و سوم «... ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، ... بر اساس ... ضوابط ...» (۱) تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش ... و (۲) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند...» مبنای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به شمار آمده است. این پنداشت، بیانگر این نکته است که دولت باید برای ایجاد سامانه اقتصادی مطلوب که به شکوفایی اقتصادی بینجامد، بر مؤلفه هایی مانند فقرزدایی، اشتغالزایی و مهیاساختن کمینه های اقتصادی زندگانی تمرکز کند. همین اقدام، در توانمندسازی مالی - اقتصادی شمار زیادی از شهروندان، نقش آفرین است و میتواند به کاهش تمایل آنان به بزهکاری منتهی شود. به هر رو، در قلمرو پیشگیری اجتماعی، ایجاد امکانات مناسب برای رفاه اقتصادی و اجتماعی به منظور دسترسی شهروندان به کمینه های زندگی و در نتیجه از بین بردن و کاهش تأثیر عوامل مالی و اقتصادی جرمزا از شاخصترین ابتکارها به شمار می رود که در شماری از نظریه های جرم شناسانه خصوصاً نظریه های فشار و مارکسیستی تبلور یافته است. می دانیم که بود ابزارها مانند کار، تحصیلات یا در دسترس نبودن آن ها برای رسیدن به هدف های مشروع اجتماعی، زمینه گرایش شماری از شهروندان به توسل به وسایل و راههای نامشروع از جمله بزهکاری را فراهم میسازد. در واقع، بودن یا نبودن برابری در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و امکان ناپذیر بودن استفاده از ابزارهای مشروع به منظور دستیافتن به هدف مورد توجه در یک جامعه واکنشهای متعددی را در پی دارد که ارتکاب بزهکاری از شاخصترین آنهاست. (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۱۱۱) بنابراین، هرگاه ابزارهای مساوی مثل فرصتهای برابر کار یا ارتقای وضعیت مالی - اقتصادی برای شهروندان جهت دست یافتن به هدفها باشد، تأثیر مشکلات مالی - اقتصادی بر گرایش افراد به ارتکاب بزهکاری کاهش می یابد.

نتیجه گیری

در دهه‌های اخیر اعمال راهبردهای پیشگیرانه برای مهار جرائم از سوی نظام‌های حقوقی دنیا بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بکارگیری شیوه‌های سخت‌گیرانه و کیفرمدار به لحاظ پرهزینه بودن و عدم نتیجه‌بخشی مورد انتظار، کم رنگ شده است. از جمله مکانیسم‌های پیشگیرانه قابل توجه در این فرایند، رهیافت اقتصاد شادکامی می‌باشد البته تقویت باورهای دینی در این بین بی‌تاثیر نیست. هر انسانی به هنگام انجام هر عملی، در صورتی که بیننده‌ای ناظر بر اعمالش باشد، مواظب است تا رفتار صحیح و شایسته انجام دهد و از امور ناپسند پرهیزد. حتی اگر کودکی ناظر بر کردار او باشد، از ارتکاب کارهای ناشایست سرباز می‌زند. هر اندازه این ناظر نزد فرد بزرگ و با عظمت باشد، بیشتر از رفتار خویش مراقبت می‌کند. حال اگر این بیننده، خداوند متعال باشد، و افراد نیز به آگاهی او بر رفتار و اعمالشان توجه داشته باشند، تاثیر بیشتری بر رفتار آنان داشته و آثار فراوانی را به دنبال دارد. خداوند متعال شاهد و ناظر بر همه هستی و از جمله رفتار، گفتار و افکار انسان‌ها است. او از اندیشه‌ها و حالات روحی و روانی افراد آگاه می‌باشد. بنابراین، انسان هر کاری که انجام می‌دهد، در پیشگاه پروردگار بوده و چیزی از اعمال و حتی نیایش او از خداوند مخفی نیست و اساساً همه عالم هستی در محضر الهی است. بعد از بررسی‌ها مشخص شد که شادی و نشاط مردم با میزان ارتکاب به جرائم از جمله بزهکاری‌های مالی رابطه معکوس دارد و برای تحقق شادکامی، لازم است که شاخص‌های کلان اقتصادی چون درآمد، رشد تولید مدلی، توسعه پایدار، تثبیت قیمت‌ها، تجارت خارجی پویا و متغیرهای فرهنگی و مذهبی ارتقا بیابند. در این رویکرد به جای آنکه رفاه و شادکامی بر مبنای ترجیحات آشکار شده ارزیابی شود، آن را از طریق ترجیحات آراز شده افراد اندازه‌گیری می‌نمایند و در این رویکرد علاوه بر متغیرهای کلان اقتصادی به شاخص‌های مهم غیر اقتصادی چون ساختار سیاسی، خصائص شخصیتی، امکانات بهداشتی و باورهای مذهبی افراد نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. چرا که ترجیحات مادی تا یک سطح بخصوصی شادکامی را بهبود می‌بخشد و بعد از مرحله تأمین نسبی، ترجیحات غیرمادی برجسته‌تر می‌شوند.

با این همه ضرورت دارد که پیشگیری از جرم باید بیش از پیش در اولویت سیاست‌گذاری‌های جنایی قرار بگیرد. در پرتو مقررات فراتضمنینی و قانونگذاری‌های عادی و اتخاذ سیاست‌های مناسب اجرایی و تدوین مقررات خرد تقنینی مناسب مانند آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و صدور دستورهای اداری فراگیر، راهبرد پیشگیری از وقوع جرم از جمله بزهکاری‌های مالی اجرایی و کارآمد شود. همچنین پروراندن شخصیت‌های اجرایی کارآمد برای اجرایی کردن تدابیر ماهوی ضرورت دارد و در دانشگاه‌های نیز تأسیس رشته مطالعاتی پیشگیری از جرم مورد تاکید اندیشه‌ورزان این حوزه است. دست آخر اینکه دستگاه قضایی نیز در این خصوص به اقدامات دانش‌بنیان و ظرفیت‌سازی‌های مقتضی مبادرت ورزند تا نتیجه مطلوب حاصل آید.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، جلد ۱، تهران میزان.
- احدی، فاطمه، پورقهرمانی، بابک و احمدی سربرزه، مظفر، (۱۳۹۸)، مکانیسم اقتصاد شادمانی در پیشگیری از بزهکاری و آسیب اجتماعی استفاده غیر متعارف از فضای مجازی، مراغه، دومین کنفرانس ملی پدافند سایبری دانشگاه آزاد اسلامی مراغه.
- آروین، ویلیام، (۱۴۰۰)، اقتصاد شادکامی، مترجم عاطفه نیکویان حیدری، تهران، نشرنویسه ی پارسی شماره ۵.
- اکبری، لیلا، (۱۳۸۰)، بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- اکرمی، سام و اکرمی، سعیده، (۱۳۹۵)، پیشگیری غیر کیفی در جرایم، تهران، دومین کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی.
- ترابی، یوسف (۱۳۹۰)، نقش دین و معنویت در پیشگیری از جرم، نشریف کارآگاه، سال ۴، دوره ۲، شماره ۱۴ ص؟
- جمشیدی، علیرضا، (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- چلبی، مشعود و موسوی، سید محسن، (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، انجمن جامعه شناسی، ۹ (۱ و ۲): ۳۴ تا ۵۷.
- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۷)؛ دانشنامه امام علی (ع)، قم: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- رایحیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۳)، رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم، تهران، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.
- ساکي، محمدرضا، (۱۳۹۰)، حقوق کیفی اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، تهران، مجد
- عباسی، بیژن، (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران، نشر دادگستر.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر اشجع
- غلامی، حسین، (۱۳۸۳)، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، مجله پژوهش حقوق و سیاست شماره ۱۱ ص؟
- گسن، رمون، (۱۳۹۲)، جرم شناس بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران، میزان.
- لطفی، نسرين، حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۹۱)، بررسی نقش مذهب در پیشگیری از وقوع جرایم از دیدگاه افراد عادی و مجرم، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۵، شماره ۴
- مجدویبی، غلامحسین، (۱۳۹۵)، نقش رونق اقتصادی در افزایش تولید، همدان، نشریه اتاق بازرگانی، شماره ۵.
- مداح، مهدوی، (۱۳۹۰)، تحلیل اثر فقر و نابرابری در آمدی بر جرم (سرقت) در سطح استانهای کشور، تهران، فصلنامه در پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره سوم.
- محمدی، ابراهیم (۱۳۹۷)، نقش آموزه های دینی و اعتقادی در پیشگیری از جرم، دو فصلنامه علمی اختصاصی معارف فقه علوی، سال ۴، شماره ۶، ص ۶۱ - ۸۶
- مهدوی حاجی، طاهره، (۱۳۹۷)، شادکامی، تهران، مرکز بهداشت شرق.
- میرشاه جعفری، ابراهیم و عابدی، محمدضا و دریکوندی، هدایت الله (۱۳۸۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، تازه‌های علوم شناختی، س ۴ (۳).
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۹۷)، کنترل اجتماعی جرم و واکنش اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- نوخانی دخت بهمن، محسن و میر محمد تبار، سید احمد، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران)، تهران، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره سوم.

نوربها، رضا، (۱۳۸۸)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش.

نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۳)، حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۲)، پیشگیری از بزهکاری، در قانون اساسی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.

نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۳)، تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰.

نیلی، فرهاد، بابازاده خراسانی، بهزاد و شادکار، محمد سعید (۱۳۹۴)، بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی، تهران، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۰، شماره ۱.

همتی، فریده (گردآوری و ترجمه)، (۱۳۹۰)، سیاست اجتماعی، (نظریه‌های کلاسیک، مدرن، پست مدرن و مطالعات مقایسه‌ای)، چاپ نخست، تهران: جامعه شناسان.

وسنا نیکولیچ – رسینانویچ، (۱۳۹۶)، نقش شادکامی در پیشگیری از جرم، حرکت به سوی جرم شناس شادی بخش، مترجمان، حمیدرضا نیکوکار و سودابه رضوانی، تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوازدهم، شماره ۴۲.

ولی پور، شبنم، و عباس زاده، سمیه، (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر شادمانی با تأکید بر عوامل اقتصادی، تبریز، چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه تبریز.

ولیدی، محمد صالح، (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، میزان.

ویلیامز، فرانک. پی؛ مک شین؛ ماری لین، دی (۱۳۸۳)، نظریه های جرم شناسی، ترجمه: حمید رضا ملک محمدی، چاپ نخست، تهران؛ میزان.

منابع انگلیسی

- 1- Agha, Salman & Das. Rituparana (2013), "Study of Economic Crimes in India with Special Emphasis on Financial Market Crimes and Control Measures" <http://ssrn.com/abstract%3D2340506>.
- 2- Christie-Mizell, C. André, Kimura Ida, Aya and Verna M. Keith (2008), African Americans and Physical Health: The Consequences of SelfEsteem and Happiness, Journal of Black Studies 2010 40: 1189 originally published online 2 December
- 3- Dworkin, R. M. (2012). Is there a Right to Religious Freedom?:1- 19.Available at <http://www.law.ucla.edu/workshopscolloquia/Documents/Dwrkin.Is%20There%20a%20Right%20to%20Religious%20Freedom.pdf>.
- 4- Frey, B.S. (2008). Happiness: A Revolution in Economics, MIT Press. Cambridge, Mass.
- 5- Graham, C. (2008). Happeness around the Word. Oxford University Press.
- 6- Grim, B.J. (2012). Rising Restrictions on Religion: A Global Overview. Brigham Young University Law Review. (3): 834-871.
- 7- Gruber, Mauss, Tamir (2011), A Dark Side of Happiness? How, When, and Why Happiness is Not Always Good, Perspectives on Psychological Science, May, Vol.6, 3: 22-233
- 8- Gundelach, Peter and Kreiner, Svend (November2004), Happiness and Life Satisfaction in Advanced European Countries, Cross-Cultural Research, 38 (4): 359-386
- 9- Hsieh, Chang-Ming (2011), Money and Happiness: Does age Make a Difference? Ageing & Society, Cambridge University Press: 1-18.
- 10- Wei-Siew Liew, Samuel, Puah, Chain-Hong & Harry Entebang, (2011),"White- Collar Crime: a Statistical Study on its Common Causes", International Journal of Business, Management and Social Sciences, Vol. 4, No. 2, PP. 44-49.
- 11- Mogilner, C(Septamber2010), The Pursuit of Happiness Time, Money and Social Connection, Psychological Science, Vol 21(9): 1348-1354
- 12- Siegel, Larry, j. (2010). Criminology, Thomson and wadworth publication, 2009.

13- Tao, H. L. (2008). What Makes Devout Christians Happier? Evidence from Taiwan. *Applied Economics*. 40 (7): 905-919.

The effect of happiness economy and religious beliefs on reducing financial delinquency

bayani ehsan¹ Fatemeh Ahadi² beigi jamal³

Abstract

The effect of happiness economy and religious beliefs on reducing financial delinquency Economic crimes are one of the most important problems and challenges of legal systems in the world, so that the judicial system has faced some problems. Experts and administrators of legal and penal systems as well as banking systems believe that happiness economy and religious beliefs are the most effective way to prevent and deal with these economic crimes. They believe that by curbing economic problems and improving people's living conditions, as well as strengthening religious beliefs, financial crimes can be prevented. This article seeks to investigate the effect of economic happiness and religious beliefs on reducing financial delinquency. The research method in this article is descriptive and analytical in such a way that after examining and collecting data and information, we will reach conclusions. The findings of the research indicate that the economy of happiness and strengthening religious beliefs have a significant effect on reducing the statistics of financial delinquency.

Keywords: happiness, financial delinquency, criminal system, religious belief, inflation

¹.Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. s.baghban@gmail.com

². assistant professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.(corresponding author) ahadi-223@yahoo.com

³. assistant professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. amalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

